

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ سپتمبر ۲۰۲۰

قابل توجه متفکران و نظریه پردازان طالب!!

جمعه- ۲۸ سنبله ۱۳۹۹ - کابل: هرگاه به خبر های رسیده از قطر توجه نموده باشید، یکی از نکات اختلافی که در حتمیت آن نه تنها جای هیچ شکی وجود ندارد، بلکه به صورت غیر رسمی هم نمایندگان دولت دست نشانده آن را ابراز داشته اند و هم افراد طالب از معاون سیاسی آنها "ملا برادر" گرفته تا سخنگویان قدیم و جدید آنها بر آن تأکید ورزیده اند، نوعیت و شکل حاکمیتی است که قرار است در آینده رسمیت یابد.

یعنی درحالی که نمایندگان دولت دست نشانده به خصوص شخص "غنی احمدزی" و "مُ جدیدش" امرالله صالح" بر "جمهوریت" تأکید می ورزند و آن را خط سرخ و باز هم سرخ نظام خویش می دانند، طالب همیشه گفته است که خواستار ایجاد یک "نظام اسلامی" است که به مردم خدمت نماید. در یادداشت امروز به جای توضیح، می خواهم از تمام دوستان چیز فهم طالب، حال می خواهد داکتر حقوق باشد و یا "دا مولوی"، تقاضای کمک نمایم تا در زمینه به سوالاتم پاسخ ارائه بدارند. و اما قبل از آن:

۱- حتماً در جملات بالا متوجه آوردن کلمات "نوعیت و شکل حاکمیت" شده اید، این یعنی از دید من هر نظامی که در آینده به اساس مذاکرات عوامل استعمار چه ملبس به نکتائی استخباراتی باشند و چه هم به دستار ارتجاعی، بیرون آید اگر از لحاظ شکلی فاصله بین آنها بیشتر از اقیانوس آرام هم باشد، از لحاظ محتوا در بسا جهات از جمله در ضدیت با خلق افغانستان، در ضدیت با منافع والای ملی و تاریخی افغانستان، در بسط و گسترش عقب مانده ترین افکار زیر نام اسلام، در ضدیت با زنان کشور، در وابستگی به اجانب و ... چنان در تطابق کامل با یک دیگر قرار خواهند داشت، توگوئی یک سیب و دو نیم می باشد.

از این رو برای من نوعی که رنج و مصیبت زندگانی در زیر دره و قمچین طالب و سرنیزه نوکران استعمار را به مثابه پراتیک مستقیم خودم، در حافظه دارم، هیچ گونه تفاوت محتوایی بین آنها وجود ندارد تا بدان بپردازم، از همین رو بحث و سؤال را محدود به تفاوت شکلی بین آنها می نمایم.

۲- این را می دانیم که دولت دست نشانده به ارتباط معرفی شکل حاکمیت شان، همیشه از "جمهوری اسلامی" نام برده، "قانون اساسی" دولت دست نشانده را هم مبنا و هم بستر تطبیق حاکمیت شان معرفی می دارند. این را هم می دانیم که در قانون اساسی دولت دست نشانده، هر چند قید نگردیده که "جمهوریت نظام" قابل معامله نیست و یا قوانینی که مغایر با جمهوریت نظام باشد مدار اعتبار نیست، مگر در مورد بخش دوم "جمهوریت اسلامی" یعنی در مورد اسلامی بودن

حاکمیت نه یک بار بلکه باربار از سومین ماده شروع به دها بار تذکار یافته، که تمام قوانین در افغانستان می باید در تطابق با اسلام قرار داشته باشد. یعنی هرگاه یک قانون با اسلام و قرآن مخالف باشد و یا با آن مغایرت داشته باشد، قابل اعتبار نیست. بر مبنای همین تأکیدات است، که نظام شان را "جمهوری اسلامی افغانستان" نام گذاشته اند.

۳- عکس دولت دست نشانده که با آوردن کلمه "جمهوریت" قبل از "اسلامی"، شکل حاکمیت خود را معرفی می نماید، طالب تا امروز نگفته است که منظورش از "نظام اسلامی" چیست. قسمت دوم این ترکیب روشن است یعنی می باید متکی و مطابق با قرآن باشد و اما کاربرد کلمه "نظام" که معنای لغوی آن در این مورد "ساختار" می باشد مطلقاً نا مفهوم است. زیرا که در جهان نمونه های زیادی داریم که همه خود را نظام اسلامی معرفی می دارند، از سیستم سلطنتی عربستان سعود و اردن گرفته تا "جمهوری اسلامی پاکستان" و "امارت" های دست ساخت و ایسته به انگلیس و امریکا در خاور میانه و خلیج فارس و "خلافت" خودخوانده و "سیا" و "موساد" خواسته داعش. هموطنان گرامی!

سوالی که اینک ذهنم را به خود مشغول می دارد، این است که بدانم، طالب در نهایت شکل حاکمیتش را به کدام یک از چهار شکل و رویکش اسلامی خود برگزیده است و چرا نمی خواهد عریان آن شکل را بیان دارد. هرگاه منظورش از "نظام اسلامی"، همان "امارت قبلی" شان باشد، در آنصورت لطف نموده بفرمایند، چه چیزی از نظر آنها "جمهوری اسلامی پاکستان"، "رژیم شاهی عربستان و اردن" و "خلافت داعش" را غیر قابل پذیرش ساخته است؟ آیا اصولاً آن اشکال حکومتی را "اسلامی" می دانند و یا خیر؟ هرگاه نمی دانند کدام نکاتی آنها را از "افتخار!!" پیوند اسلام محروم می سازد؟

امیدوارم متفکران و نظریه پردازان طالب، پای پیش نموده، به سوالاتم که یقیناً سؤال صد ها هزار و میلیونها هموطنم نیز می باشد، پاسخ ارائه دارند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!